



عابدین پابی
شاعر و منتقد

موج در اینجا هم به معنی فرکانس و سیگنال یا نشاتک است و هم به هر چیزی که با خودش پیام یا اطلاعاتی را حمل می‌کند. موج به انگلیسی wavebillow است و مترادف آن خیزاب، کوهه آب، سطح آب، تلاطم آب و خیزآبه است. اوج به معنی ارتفاع، بلندی، فراز، صعود، بالا و نوک قله است. شعر تابع موج های اجتماعی و فرهنگی و موج سیاسی درجوش و خروش است. همان طوری که عوامل طبیعی دست به دست هم می دهند و یک کوهه آب و یا خیزابه را در دریا به وجود می آورند، در جامعه نیز موج فکری و اجتماعی بر اساس کاربست ها و فعل و انفعالات سیاسی در حال شکل گیری است. رویدادها اجتماعی ووخداهای تاریخی که دستاورد وفکرآورد این رخدادها بشريت به عنوان مفکر قلمداد میشود در رده بندی و شکل گیری امواج اجتماعی مؤثر و حائز اهمیت است. اعتراض، انتقاد، جنبش و قیام و انقلاب خود از عواملیاند که موج ز هستند و این عوامل ریشه دریکسری مطالبات و خواسته ها و مناسبات اجتماعی دارد که وقتی این مطالبات اجتماعی – فکری برآورده نشوند در واقع موج در مسیر جامعه به راه می افتد و ممکن است تبدیل به یک پادرایام علمی – عملی ویا فرهنگی – ادبی شود. برای مثال: جنگ واقعی و جنگ ذهنی و جنگ سرد و رسانه‌ای و الکترونیکی و جنگ فکری از مهم ترین امواجی به شمار می رود که در جامعه رخ و نضج و بارور می شود. موج به عنوان یک منظر، نظر شاعر را به یک بستر اجتماعی جلب می کند و درباره آن رویداد، شعر می گوید. شاعر تابع اتفاق است و باید تلنگری به ذهن و زبان آن در زمان و مکان زده شود تا بتواند دست به سرایش بزند. شاعر تا در معرض اتفاق قرار نگیرد قادر به سرودن نیست. شاعر نوعی همذات پنداری با مفاهیم اجتماعی و فرهنگی دارد و انسانیت مهم ترین دغدغه آن است که اگر مورد هجومه ویا تشویق قرار بگیرد به صورت خود آگاه و ناخود آگاه برای این انسانیت آسیب دیده و یا آسایش دیده شعر میسراید. حالا پرسش اینجااست که شاعرموج گرا چه کسی است ؟ شاعر موج گرا؟ شعر موج گرا میسراید در بستر جامعه تحت تأثیر دو عامل است: نخست: اپورتونیست (opportunism) و کانفورمیست conformity است. یعنی از فرصت ها استفاده می کند و فرصت طلبی را سرمشاق و سرمشق خود قلمی دهد و یا از پارترهای کانفورمیست (همنوایی، هم شکلی و هنجار طلبی) بهره می گیرد. یعنی با بر اساس ورزش باد که به هر ستمی که میوزد آن نیز در ورزش و حرکت است و از فرصت ها به نفع خود استفاده می کند و یا به دنبال هموا شدن و هم شکل شدن با جامعه در وضعیت موجود است. خیلی از شعرای ما تابع حزب باندن به طوری که هر تفکر وایدئولوژی که در جامعه حضور پیدا می کند، همکاری می کنند. گروه دوم افرادی اند که فرصت ها را به هدف و هنر تبدیل می کنند و با شناخت از موج ها سعی دارند تا که هنرآفرینی کنند. گرایش به سوی انقلابی شدن دارند و در واقع شعر انقلابی و شعر حرکت و جنبش می سرایند. یعنی شعری موج گرا با موج اند و یا علیه موج حرکت می کنند. شاعری که با میل و کیلی و سلاطی دریا شنا می کند با شاعری که برخلاف دریا شنا می کند، در تفاوت عمده است. موج در هر شرایطی مثبت و مطلوب نیست زیرا که برخی از موج ها آلاینده هستند و هنوز به پالندگی نرسیده اند و برخی دیگر پاینده و پاینده اند و با خود گفتاورد گفت وگو مند به همراه دارند. بقا و حیات دو عامل مهم اند که حتی شاعر انقلابی را به سمت اپورتونیست هدایت و سوق می دهد و حزب باد بودن و همنوا شدن در خیلی از مواقع ریشه در معیشت و امرار معاش نیز دارد. تغییر رنگ و لباس دادن فکر شاعر ریشه در اراده معطوف به قدرت و عدم اداره کردن اراده فرد هم می تواند داشته باشد. دیگر نکته، مبحث اوج گرایی است. اوج گرایی و صعود به قله های بالاتر در ذات و جوهر و حتی سرشت همه انسان ها و وجود دارد اما افراد بلند پرواز بیشتر از سایرین به این مهم توجه دارند. هر شاعری به دنبال یک شعر پرفراز و یا ارتفاع معنایی است و به دنبال تثبیت خود به عنوان یک قله است. قله پروری در ادبیات ما به مرسوم و متداول است و اسطوره گرایی نیز ارتباط عمیق و عتیقی با قله پروری دارد. هیچ شاعری به دنبال کوهپایه ها نیست بلکه همیشه به قله ها فکر می کند. اوج گرایی در شعر در دو حالت و کاربست توسط شاعر خودش را نشان می دهد. نخست: شاعر مسیر را گام به گام و به صورت لاک پشتی طی می کند و سعی می کند طریقت و حقیقت شعر را به خوبی و با صبر و حوصله در زمان، زبان و مکان با پروازی منطقی و معقول طی نماید که در ختام به قله خواهد رسید و تفکرش نیز قدرت: «تعمیم پذیری» هم دارد و دو دیگر، شاعر مسیر ادب و شعر را به صورت گانگورویی طی می کند. در حالت گانگورو طرف مسیر را زودتر طی می کند اما فاصله بین پرش ها خالی است و این فاصله ها کاملاً تجربه و لمس نمی شود. دراین حالت فرد به ساختگی، پرداختگی و پختگی جامع الاطرافی دست نیافته است و به همین دلیل است که اوج گرایی آن ماندگاری ندارد. به نظرم شاعر اوج گرا به شاعری گفته می شود که شعرش مانند یک عقاب است، چرا که عقاب در هر جایی چه بالا و بلند و چه پست که بنشیند باز عقاب است. بالانشین به منزله اوج گرفتن نیست بلکه تجربه و لمس کردن هر بالایی با همه مؤلفه های آن بسیار مهم است. بنابراین شعر موج گرا و شعر اوج گرا در دو میدان متفاوت میدان داری می کنند و برآی نیل به هر کدام بایستی سرفر فکری بسیار کرد تا که از خاکی فکر و نظر به پختگی اندیشه و عمل رسید.

در گفت وگو با مترجم کتاب بررسی شد:

«هالی بنکس و کوله باری از ترس هایش» یک طنز روانشناسانه

آرمان ملی – بیتا ناصر تناج: ترجمه آثار داستانی که در قالب ها و ژانرهای خاصی نوشته شده‌اند؛ می‌تواند چالش‌های متفاوتی را برای مترجم به همراه داشته باشد؛ خصوصاً اگر خصوصیات چند ژانر در آن ترکیب شده باشد. اخیراً کتابی با عنوان «هالی بنکس و کوله‌بازی از ترس هایش» نوشته جولی والری و با ترجمه میثاق خلج به بازار کتاب آمده که روایتگر داستان زندگی هالی است. تفاوت کار از آنجایی آغاز می‌شود که نویسنده در این کتاب هم به جنبه‌های روانشناسی شخصیت‌ها توجه نشان داده و هم از طنز ملموس و اغراق‌گونه‌ای سود برده است. موضوع بعدی این است که هالی در رشته فیلمسازی تحصیل می‌کند و همین مساله باعث شده شاهد خرده‌روایت‌هایی فیلم‌نامه‌گونه در رمان باشیم. متن گفت‌وگو با مترجم این کتاب را در ادامه می‌خوانید.

کتاب «هالی بنکس و کوله‌بازی از ترس هایش» نوشته جولی والری تازه‌ترین اثر ترجمه‌ای شماست که از سوی بنگاه ترجمه کتاب پارسه به چاپ رسید. درباره موضوع و داستان این اثر توضیح دهید.

هالی بنکس و کوله‌بازی از ترس هایش که نویسنده آن خانم جولی والری است، یک رمان طنز، روانشناسانه و خانوادگی است. این کتاب اولین رمان خانم والری نویسنده آمریکایی است که متن اصلی آن نخستین بار در سال ۲۰۱۹ چاپ شده است. کتابی سراسر طنز برای کسانی است که تلاش دارند تا زندگی بی‌عیب و نقصی از خودشان برای دیگران به نمایش بگذارند. این کتاب فرمت جالبی دارد که ترکیبی از فیلم‌نامه و روایت است. قهرمان اصلی داستان، هالی، که به دانشگاه فیلمسازی رفته است ولی نتوانسته با مدرک تحصیلی‌اش هیچ کاری انجام دهد، دائم صحنه‌های مختلف زندگی‌اش را در قالب فیلم‌نامه‌ای در ذهنش تجسم می‌کند و خواست معطوف به آن فیلم می‌شود. هالی همراه دختر و همسرش بعد از انتقال اجباری کار همسرش به شهری جدید، عاشق نسخه پیتربستی زندگی‌هایی مردم آن آرمانشهری می‌شود که دائم در مقابلش رژه می‌روند. بعد هم تمام تلاشش را می‌کند که همچون آنها شود. ولی برای دستیابی به این شخصیت آرمانی مرتباً با مشکلات گوناگونی درگیر می‌شود... مثل خیانت همسرش، اسرار نهفته در پس شخصیت‌های بی‌عیب و نقص آن شهر، مشکلات رفتاری دخترش و ایرادات و اعتیاد مادرش به الکل و قمار بازی... در نهایت به این واقعیت دست پیدا می‌کند که آن آدم‌ها انطورها هم که او فکر می‌کند کامل نیستند و کاستی‌هایی بسیار بیشتر از او دارند و تصمیم می‌گیرد به راه خودش برود و زندگی خودش را با ایده‌آل‌های خودش بسازد. برای همین شروع به ساختن فیلم مستندی از روال عادی زندگی خودش می‌کند و طی روند ساخت فیلم به حقایقی راجع به آن شهر دست پیدا می‌کند. پس از بی‌پردن به آن حقایق آن آرمانشهر برایش طور دیگری به نظر می‌آید.

والری در این اثر از زنانی می‌گوید که ضمن آنکه همواره درگیر مسائل خانۀ خانواده و در واقع چالش‌هایی هستند که در طول روز به آن دچارند، باید شخصیت بدون عیب و نقصی از خود به جامعه پیروانوشان ارائه دهند که در نهایت با این سوال از سوی هالی مواجه‌ایم که «آیا اصلاً مادر بی‌عیب و نقصی وجود دارد؟». از این حیث نگاه نقادانه



عادی در نظر می‌گیریم و کمتر قضاوتشان می‌کنیم. از نکات دیگر روانشناسی که در این کتاب به وضوح به آن پرداخته شده اضطراب جدایی است که در بسیاری موارد نه تنها کودکان دچار آن می‌شوند بلکه والدین را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تحلیل رفتارهای کودکان در مدرسه در مقایسه با زمانی که کنار والدین‌شان هستند در روال داستان بسیار پر رنگ به چشم می‌آید. نکته جالب دیگر که خیلی خوب به آن پرداخته شده شخصیت‌های زورگویی هستند که ما در زندگی با آنها مواجه می‌شویم و اینکه این شخصیت‌ها چقدر می‌توانند با قلدری باعث عکس‌العمل‌های اشتباه دیگران شوند، آدم‌هایی که تلاش می‌کنند تا همیشه رفتارها و زندگی دیگران را کنترل کنند و به آنها امر و نهی بی‌چاکنند. نکات روانشناسی دیگری همچون خیانت، مشکلات مالی و فسادهای اقتصادی و تأثیرات آنها بر زندگی آدم‌ها، تروماهای کودکی و نقش پررنگ خانواده در شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها هم طی روال داستان بروز پیدا می‌کند.

هالی از طنز برای تفکر، سرگرمی و گاه شوخ طبعی بهره برده است. ابتدا درباره کارکردهای طنز در این اثر توضیح دهید.

در واقع ماجرای طنزآمیز چندانی در این داستان رخ نمیدهد و بیشتر همان وقایع روزمره زندگی است که همه ما شاید با آنها مواجه شویم و هر چه بیشتر تلاش میکنیم تا اصلاح‌شان کنیم گند کار بیشتر درمی‌آید. این وقایع در لوی‌ای طنز، گریایی به داستان تزریق میکنند و تأثیرگذاری آن را بیشتر میکنند، حتی شاید خیلی جاهای داستان به ما نشان دهد که اشتباهاتی که خیلی مواقع به خاطر انجام‌شان خجالت‌زد می‌شویم مسائل پیش پا افتاده‌ای باشند و چندان اهمیتی ندارند و همه مرکب آن میشوند. گذر زمان به شخصیت‌های داستان این امکان را میدهد تا چیزهایی را که ترازیک و آزادنده است ببیزند و راهی برای زیست مسالمت – آمیز کنار آنها بیابند. یکی از مهمترین



کارکردهای طنز در این داستان ایجاد شادی است که کاملاً آگاهانه توسط نویسنده برای بیرون کشیدن خواننده از حال و هوای کسل‌کننده زندگیهای امروزی صورت پذیرفته است.

در بخش‌هایی از کتاب به نظر می‌رسد از طنز بیش از حد و حتی در برخی مواقع اغراق آمیز استفاده شده است. نظر شما در این باره چیست؟

اغراق بیش از حد و بزرگمایی و واقعیتها شگردی است که باعث تأمل و مکث در معنای ظاهری و سطحی میشود و بار معنایی خاصی را به متن القا میکند. اغراق در طنز داستان مصداق این واقعیت است که هر زمان که اشتباهی رخ میدهد و سعی در اصلاح آن با دستپاچگی و بیفکری داریم خرابکاری بیشتری رخ میدهد. پافشاری بیش از اندازه برای کنترل کردن همه چیز و کمال‌گرا بودن برای شخصیت‌های این داستان درست نتیجه عکس داده است. به نظر من تأکید بر طنز داستان از نقاط قوت آن است که سبب شده نویسنده بتواند حجم زیادی از مسائل و دغدغههای یک زن را در داستان بگنجاند. یکی از اساسیترین کارکردهای طنز برای انتقاد و اصلاح است، خیلی از مواقع استفاده از طنز برای نشان دادن مشکلات به مراتب تأثیرگذارتر از بیان آن معضلات به طور مستقیم میباشد که در این داستان هم همین‌طور است.

هالی با تمام اضطراب‌ها و دلواپسی‌هایش بازتابی از انسان در جامعه مدرن است. والری علاوه بر نقد مسائل موجود، از تلاش‌های هالی برای رفع مشکلاتی که با آن دست و پنجه نرم می‌کند، می‌گوید. از این جهت جایگاه انسان امروزی در این اثر را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در این رمان نه تنها هالی که شخصیت اصلی داستان است؛ بلکه سایر شخصیت‌های محوری هم تلاش دارند زمانی که نقاب از چهره‌هایشان می‌افتد و واقعیتها و مشکلات زندگیشان به نمایش گذاشته میشود، از دل مشکلات دوباره همچون ققنوس زاده شوند. در کنار معضلات خانوادگی که با آن دست و پنجه نرم میکنند دلخوشیهایی هر چند اندک برای خودشان دست و پا کنند و زندگیشان را بسازند و این موضوع در زندگیهای ما هم به همین منوال است. هیچ انسانی کامل نیست و هیچ‌گاه شرایط زندگی هیچکس تمام و کمال نیست و همان‌طور که این داستان نشان داده است هنر این است که آدم خانهاش، خانواده‌هاش، اطرافیان‌ش، شرایط زندگی‌اش را همان‌طور که هستند بپذیرد و راهی برای زیست مسالمت‌آمیز کنار آنها بیابد.

ترجمه رمانی روانشناسانه و طنزآمیز چه چالش‌هایی به همراه داشته است؟

از دشواریهایی که ترجمه متون طنز دارد این است که ترجمه از آن منوط به شناخت دقیق از بافت زبان و معنای متداول واژگان و عبارات است. رخی عبارات و واژگان طریقت دو معنایی یا چند معنایی بودن دارند که اساساً همین امر میتواند زمینه‌ای برای خلق طنز باشد. مثلاً از شرگردهایی که در این کتاب برای ایجاد طنز به کار برده شده است اصطلاح‌سازیهایی خنده‌آور است. با استفاده از القاب و عناوین تشبیهی براد افراد با اشیاء یا توجه به ویژگیهای ظاهری یا روانی آنهاست. اینکه بتوان طنزی را که به زبانی دیگر و به قلم انسانی دیگر نوشته شده است در زبان مقصد به همان گریایی منعکس کرد البته که بسیار چالش‌برانگیز بود. چون طنز در کشور‌های مختلف گونه‌های خاصی از مسائل را در برمیگیرد که منعکس کردن آن در فرهنگ‌های دیگر و بومیسازی کردنشان شاید دشوار و در برخی مواقع غیرممکن باشد. نکته دیگر این بود که بخشهایی از این کتاب در قالب تصورات هالی و به صورت فیلم‌نامه بود که آن هم قلموهای جدا برای ترجمه بود. همان‌طور که اشاره شد این کتاب در دسته رمانهای روانشناسی، طنز، خانوادگی جای میگیرد که طیف گسترده‌ای از موضوعات را در خود جای داده است و به قطع صحیح و به شیوهای گیرا منعکس کردن آن بسیار چالش‌برانگیز و زمانبر بود.

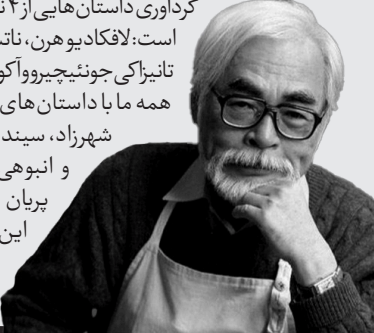
ترجمه و انتشار این اثر چقدر زمان برد و آیا برای مخاطبانان خبر تازه‌ای دارد؟

ترجمه کتاب در حدود شش ماه زمان برد ولی با توجه به مشکلاتی که به واسطه پاندی می‌کرونا پیش آمد چاپ آن کمی به درازا انجامید. کتاب دیگری با عنوان بابل با ضرورت اعمال خشونت، تاریخچه‌ای محرم‌انه از آکسفورد، انقلاب بزرگ ترجمان، از ترجمه کردهام که در ژانر علمی تخیلی و تاریخی است و در آن با انتشارات خوب کتابسرای تندیس همکاری داشتیم که چند روز قبل به بازار روانه شد. این کتاب که برنده جایزه ادبی نیولا و جوایز ادبی دیگری در سال ۲۰۲۲ بوده روایت بسیار گیرایی دارد و به نظرم یکی از شاهکارهای ادبی این شاخه است. یک کتاب دیگر هم در حوزه زنان موفق در دست چاپ دارم که در آن هم با انتشارات خوب پارسه همکاری داشت.

و بخشی از سیر رشد انسان‌ها را تشکیل می‌دهند. ادبیات ژاپن نیز همانند دیگر فرهنگ‌ها از افسانه‌ها و اساطیر خود برای ارائه مفاهیم عمیق دانش انسانی کمک می‌گیرد. کتاب داستان‌های جن و پری، ۴ داستان کوتاه با مضمون افسانه‌های پریان ژاپنی به خواننده خود ارائه می‌دهد. داستان اول، «کوکوروکی» از لافکادیو هرن (۱۸۵۰-۱۹۰۴) با نام ژاپنی کوئیزومی یا کومواست. او اصالتاً ژاپنی نبوده؛ مادر او، یونانی و پدرش ایرلندی بود. هرن به جمع‌آوری، ترجمه و نوشتن افسانه‌های ژاپنی می‌پرداخت. او به دعوت سفیر امپراتوری ژاپن به یوکوهاما رفت و با دختری سامورایی ازدواج کرد. او پس از ازدواج، نام ژاپنی برای خود انتخاب کرد. داستان کوتاه «کوکوروکی»، درباره یک جنگجو به نام هیگاژانمون است که پس از مرگ رباباش، تبدیل به یک راهب می‌- شود تا مردم را به راه مقدس بودا هدایت کند. او در راه خود با گروهی از زوکوروکی‌ها برمی‌خورد که به ظاهر انسان هستند. اما، شب هنگام سرشان از تنش جدا می‌شود و انسان‌ها را اذیت می‌کنند. داستان دوم، «شب سوم» از ناتسومه سوسه‌کی (۱۸۶۷-۱۹۱۶) است. ممکن است رمان کوکورو او را خواننده باشید. نشر برج، این کتاب را با ترجمه قدرت‌اله ذاکری به بازار ارائه کرده است. داستان کوتاه «شب سوم» کاملاً حاصل خلاقیّت خود نویسنده است. او از افسانه یوکای برای نوشتن این اثر الهام گرفته است. یوکای در ظاهر یک کودک، در لاپهلای علف‌ها مخفی میشود. انسانی او را پیدا میکند و از روی دلسوزی، او را کول میکند. اما، یوکای تبدیل به سنگ میشود و دیگر از کول انسان پابین نمی‌آید. سوسه‌کی در این داستان کوتاه، دو روح را به‌تصویر میکند که در چرخه‌ای ابدی، عذاب میکنند. بسیاری از منتقد‌های ادبی او را با ادگار آلن پو (۱۸۰۹-۱۸۴۹)، نویسنده و شاعر آمریکایی مقایسه میکنند. داستان کوتاه «او پری دریایی»

شاید شما از آن دسته افرادی باشید که به خواندن آثار ادبی ژاپن و نویسنده‌هایی همچون هاروکی موراکامی علاقه داشته باشید، یا انیمه‌های ژاپنی، همچون آثار هایتو میازاکی یا ماکو شونئیکای را دوست داشته باشید. نکته حائز اهمیت این است که آثار هنری ژاپنی، دارای لایه‌های معنایی گوناگون هستند. بخش زیادی از معنای پنهان در این آثار و امادار اساطیر و افسانه‌های پریان است. برای مثال، انیمه فرزند آب و هوا که یکی از پربیننده‌ترین فیلم‌های سال ۲۰۱۹ بود، در قالب اساطیر و حکایت‌های عامه به مضامینی همچون تغییرات اقلیمی و آب و هوایی اشاره می‌کند. در داستان این انیمه، دختری که خدایان به او قدرتی خاص عطا کرده‌اند، می‌تواند آب و هوا را کنترل کند. در ایران نیز چند سالی است که مترجم‌ها نگاهی به ترجمه افسانه‌ها و حکایت‌های ژاپنی دارند. یکی از منابع خوب برای خواننده‌ها، کتاب داستان‌های جن و پری است. این اثر ادبی، توسط مصطفی رضوی زاده (۱۳۶۲) به فارسی ترجمه شده است. نشر چشمه، این کتاب را در تابستان ۱۴۰۲ به مخاطب فارسی‌زبان ارائه کرد. این کتاب، ترجمه و گردآوری داستان‌هایی از ۴ نویسنده مختلف است: لافکادیو هرن، ناتسومه سوسه‌کی، تانیزاکي جونئچیپرو و کوتاگاوا ریونسوکه.

همه ما با داستان‌های هزار و یک شب شهرزاد، سیندرلا، شئل فرمزی و انبوهی از افسانه‌های پریان آشنایی داریم. این افسانه‌ها در همه فرهنگ‌ها جریان دارند



افسانه‌های پریان ژاپن و درک عمیق‌تر مورااکامی و میازاکی



فاطمه احمدی‌اذر

منتقد ادبی

